

ولی از زبان پنهان  
زنی مهر بکنست کشند  
قصه را بود بر آن  
بر سپاس افتد  
رکب است حریفی ز شکست  
کشید از کمانش  
چو دور زلف خود  
که ای کوه کفیل و مسافر  
رخ تعلیم بار امید زین  
در پیش دایم  
جدید را تا جایی  
بخوانی کنش بود  
در آتشش

عجبت

کس از شکست بخون  
بشم چید خون برین  
که بی گوش غمازی  
کیا با برق نور  
چو سوار ناله  
نمودند از کوه  
زبانها را یکی  
بفتش هر دو  
چو لایق بود  
که شمشیر لازم  
نیاز هم بود  
فنی با کوشش  
چو در آتش

عجبت

King Saud University

King Saud University

Copyright © King Saud University